

ابن اُبی حاتم و تفسیر او

عمد رضا سبحانی نیا

چکیده:

ابن اُبی حاتم رازی، از معروف‌ترین مفسران اهل سنت است. تفسیر او نیز از مشهورترین تفاسیر روایی قرآن مجید به شمار می‌رود که بر اساس روایات مقبول اهل سنت سامان یافته است.

قدمت نویسنده، نزدیکی به عصر صحابه و تابعیان، سبک دقیق نگارشی، دقت‌های رجالی در انتخاب احادیث و نظم و اتقان مباحث، از ویژگی‌های تفسیر اوست. با توجه به آن که این کتاب تا حدود قرن دهم به طور کامل موجود بوده است، و در چهار قرن اخیر از بین رفته است، مجموع آن در چاپ‌های امروزی با استفاده از روایات به کار رفته در تفاسیر سیوطی و ابن کثیر، بازسازی شده است. در این نوشتار، سعی شده است میزان اعتبار نسخه‌های جدید آن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: ابن اُبی حاتم رازی، تفسیر القرآن العظیم، تفاسیر روایی، سیوطی، ابن کثیر.

بخش اول: مؤلف

الف) زندگی نامه

أبو محمد عبدالرحمن بن محمد بن ادريس تمیمی حنظلی رازی، معروف به ابن اُبی حاتم رازی، مفسر، متکلم، فقیه و محدث مشهور اسلامی است. خانواده او اصالتاً اصفهانی بوده و سپس به ری مهاجرت کرده‌اند. در سال ۲۴۰ قمری در ری زاده شد و در سال ۳۲۷ در همان شهر درگذشت و همان‌جا مدفون گشت (دایرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۲ ص ۶۳۷).

(ب) عبادت و تقوا

ابن ابی حاتم، در سایه تعلیمات پدری دانش دوست و متقی، تربیت شد. کسی که روح دانش و تقوا را در او زنده کرد و با تشویق او، حفظ قرآن را از فضل بن شاذان نیشابوری فراگرفت و پس از آن بود که اذن یافت تا به فراگیری حدیث بپردازد (تفسیر و مفسران: ج ۲ ص ۱۷۹). ابن ابی حاتم را حافظ، ناقد، شیخ الاسلام و ثقة خوانده‌اند (طبقات الحفاظ: ص ۳۴۶، ۷۸۲). از فضائل اخلاقی و معنوی و زهد و پارسایی او بسیار یاد کرده‌اند (البدایة و النهایة: ج ۱۱ ص ۱۹۱).

پدرش، درباره او گفته که در عبادت، کسی را برتر از او ندیده و حتی گناهی از او سر نزده است (تذکره الحفاظ: ج ۳ ص ۸۲۹ - ۸۳۰). ابو عبدالله قزوینی، درباره او می‌گوید: وقتی در نماز به ابن ابی حاتم اقتدا کردی، روح خود را به او تسلیم کن تا به هر کجا می‌خواهد، برود (سیر اعلام النبلاء: ج ۱۳ ص ۲۶۶). او، در اوآن جوانی به همراه پدر، به زیارت خانه خدا مشرف می‌شود و در این باره می‌نویسد: در سال ۲۵۵ ق، پیش از رسیدن به سن بلوغ، به همراه پدرم روانه خانه خدا شدیم. هنگام رسیدن به ذوالحلیفه محترم شدم. پدرم خرسند گردید که موفق به گزاردن حجة الاسلام گردیدم (همان: ص ۲۶۳).

(ج) سفرهای علمی

ابن ابی حاتم، در همان سفر اول به مکه مکرمه از محمد بن عبدالرحمان مقرئ بهره‌مند شد. او بسان بیشتر عالمان آن روزگار در راه کسب دانش دین، به شهرهای زیادی سفر کرد و از اساتید زیادی در مکه، مدینه، بغداد، دمشق، مصر، بیت المقدس، اصفهان و... بهره برد. در سال‌های ۲۶۰ و ۲۸۸ ق در مکه بوده است، در سال ۲۶۲ ق رهسپار مصر و شام گردید، و چند ماه در مصر اقامت گزید، و از عالمان و محدثان آن دیار، فقه و حدیث فرا گرفت. آن‌گاه در سال ۲۶۴ ق عازم اصفهان شد (ابن ابی حاتم الرازی و اثره فی علوم الحدیث: ص ۶۵ - ۷۰).

هر چند معلوم نیست وی در چه زمانی به ری بازگشته است، اما وفات او مسلماً در این شهر بوده است (دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۲ ص ۶۳۸). برخی از این سفرها را، در کتب خویش، بیان داشته و اساتیدش را در کتاب الجرح و التعديل توثیق کرده است.

ابن حجر عسقلانی می‌نویسد:

از قرائن و نشانه‌ها برمی‌آید که وی در عراق آن روزگار، از شهرت علمی بسزایی برخوردار بوده است (لسان المیزان: ج ۱ ص ۲۶۵ «به نقل از دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۲ ص ۶۳۷»).

(د) اساتید و شاگردان

پدر ابوزرع و فضل بن شاذان، از مهم‌ترین اساتید وی در حدیث، اخلاق و قرآن بوده‌اند. صالح بن احمد بن حنبل نیز، در سمت اساتید معروف او در حدیث به‌شمار می‌آید (طبقات الحنابلة: ج ۲ ص

۵۵ «به نقل از دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۲ ص ۶۳۸»). از معروف‌ترین شاگردان او، ابن عدی جرجانی (م ۳۶۵ ق) صاحب کتاب الكامل فی ضعف الرجال، حاکم نیشابوری (م ۳۷۸ ق) مؤلف المستدرک علی الصحیحین، ابن حبان (م ۳۶۹ ق) صاحب الصحیح، ابو حاتم بستی (م ۳۵۴ ق) و ابن منده (م ۳۹۵ ق) می‌باشند (تفسیر ابن ابی حاتم الرازی: ج ۱ ص ۸).

(هـ) مذهب

گرچه به مذهب فقهی و کلامی او تصریح نشده است، اما عبادی او را از فقیهان شافعی دانسته است (طبقات فقهاء الشافعیة: ص ۲۹ «به نقل از دائرة المعارف اسلامی: ج ۲ ص ۶۳۸»). در مقابل، دکتر رفعت فوزی در کتاب خویش، پس از قلم‌فرسایی در شناسایی بعضی مذاهب فقهی و کلامی مسلمین، قاطعانه از اعتقاد ابن ابی حاتم به مذهب حنبلی و عقاید احمد بن حنبل، دفاع می‌کند (ابن ابی حاتم الرازی و اثره فی علوم الحدیث: ص ۹۷ - ۱۰۴).

وی، سپس انتساب ابن ابی حاتم را به تشیع، اتهامی بیش نمی‌داند (همان: ص ۱۰۴-۱۱۵)، و به جهت ابطال این انتساب می‌نویسد:

تشابه اسمی و خلط اسامی و کنیه‌ها برای بعض صاحبان کتب شیعه، از جمله اعیان الشیعة سید محسن امین، باعث شده است که ابن ابی حاتم، به مذهب شیعه منسوب گردد (همان: ص ۱۱۴).

مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعة، نامبرده را از مشاهیر فقها و محدثین اهل سنت می‌شمارد، اگر چه از قرار گرفتن نام او در کنار نام مصنفین شیعه، در کتاب معالم العلماء، استظهار می‌کند که ابن شهر آشوب، او را شیعه دانسته است (اعیان الشیعة: ج ۲ ص ۳۱۸).

مرحوم آیه الله معرفت، نیز گرچه به شیعه بودن ابن ابی حاتم تصریح نمی‌کند، اما در معرفی کتاب تفسیری او علاقه‌اش را به خاندان پیامبر اکرم ﷺ گوشزد می‌کند، و چندین مورد از روایات این تفسیر را نمونه می‌آورد، که در تفسیر آیات نازل در حق اهل بیت ﷺ، همچون تفاسیر شیعی مشی می‌کند. مهم‌ترین این آیات، آیه تطهیر است که ابن ابی حاتم با نقل احادیثی، آن را در منقبت پنج تن آل عبا دانسته و از این طریق ارادت خویش را به خاندان عصمت و طهارت ﷺ ظاهر ساخته است (تفسیر و مفسران: ج ۲ ص ۱۸۲ - ۱۸۳).

(و) محبت به اهل بیت پیامبر ﷺ

علاقه و محبت ابن ابی حاتم به خاندان پیامبر ﷺ، از بسیاری از روایات کتابش مشهود است. او تفسیر خود را با حمد الهی و درود بر پیامبر ﷺ و خاندان پاکش آغاز می‌کند و در لابه‌لای کتابش، از روایاتی که به دیدگاه تشیع نزدیکتر است، بهره می‌برد. در ذیل آیه ۵۶ سوره مبارکه احزاب، از کعب بن عجره، به دو طریق، چنین روایت می‌کند:

ابن ابی حاتم و تفسیر او

از پیامبر پرسیدیم: چگونه بر تو درود بفرستیم؟ فرمود: بگویند: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ. إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (تفسیر ابن ابی حاتم: ج ۱۰ ص ۳۱۵۱ ح ۱۷۷۶۹ و ۱۷۷۷۲).

در ذیل آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: آیه ۳۳)، از ابو سعید خدری روایت می‌کند که پیامبر فرمود:

این آیه، درباره پنج تن نازل گردید: من، علی، فاطمه، حسن و حسین (همان: ج ۹ ص ۳۱۳۱ ح ۱۷۶۷۳).

از عایشه نیز روایت می‌کند که:

روزی پیامبر، در حالی که ملحفه‌ای از پشم سیاه بافته شده بر خود پوشیده بود، بیرون آمد. در این موقع، حسن و حسین وارد شدند. پیامبر آنان را در زیر ملحفه خود گذاشت. سپس علی آمد، او را نیز در زیر ملحفه جا داد. آن گاه، این آیه را تلاوت فرمود (همان: ج ۱۷۶۷۴).

از واثله بن اسقع نیز روایت می‌کند که:

پیامبر، بر دخترش فاطمه وارد شد. حسن و حسین و علی نیز همراه او وارد شدند. آن گاه پیامبر، علی و فاطمه را پیش روی خود نشاند و حسین را بر زانوهای خود، و پارچه‌ای را که با خود داشت بر همه افکند و این آیه را تلاوت فرمود (همان: ص ۳۱۳۲، ج ۱۷۶۷۸).

از ام سلمه هم روایت می‌کند که:

پیامبر، بر سکوی خانه آرمیده بود و روانداز بافت خیبری، بر خود افکنده بود. در این موقع، فاطمه وارد شد. دیگری در دست داشت که در آن قرمه گوشت با آرد پخته بود. پیامبر او را فراخواند و گفت: شوهرت و دو فرزندت حسن و حسین را نیز فراخوان. فاطمه آنان را فراخواند و پیامبر با آنان به خوردن غذا، مشغول بود که آیه تطهیر نازل گردید. در این هنگام، پیامبر گوشه عبای خود را بر آنان افکند و سپس دست از زیر روپوش درآورد و به طرف آسمان بالا برد و گفت: خداوندا! اینان اهل بیت و بستگان ویژه من هستند. هرگونه پلیدی را از آنان دور ساز و آنان را پاک و پاکیزه دار، و این سخن را سه بار تکرار کرد. ام سلمه می‌گوید: من، به منظور شمول آیه تطهیر سر خود را زیر عبا بردم و عرض کردم: یا رسول الله! من با شما هستم؟ دو بار فرمود: تو نیک هستی (همان: ج ۱۷۶۷۹).

از قتاده نیز آورده است که اهل بیت در این آیه، اهل بیتهی هستند که خداوند آنان را از هر بدی پاک گردانیده و به رحمت و عنایت خود اختصاص داده است. و ضحاک بن مزاحم می‌گوید: پیامبر همواره می‌فرمود:

ما اهل بیتهی هستیم که خداوند آنان را پاک گردانیده است، و شجره نبوت و موضع رسالت و جایگاه آمد و شد ملائکه و خانه رحمت و معدن علم هستیم (همان: ص ۳۱۳۳ ح ۱۷۶۸۰).

در ذیل آیه ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: آیه ۲۱۴)، روایت «ویکون خلیفتی فی اهلی» را درباره امام علی علیه السلام آورده است (تفسیر ابن ابی حاتم: ج ۹ ص ۲۸۲۶ ح ۱۶۰۱۵).

در ذیل آیه ﴿وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّجْدِ﴾ (شعراء: آیه ۲۱۹) نیز، شاخصه عقیدتی مکتب تشیع (نالودگی نیاکان معصومین) را مطرح می‌سازد و به دو طریق از ابن عباس، در تأویل آیه، روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله پیوسته در اصلاص انبیا جا به جا می‌شد تا مادر، او را زانید» (تفسیر ابن ابی حاتم: ج ۹ ص ۲۸۲۸ ح ۱۶۰۲۸ و ۱۶۰۲۹).

سیوطی، از طریق ابن ابی عمر و بزآر و طبرانی و ابن مردویه، و بیهقی از طریق مجاهد، همین تأویل را نقل می‌کند و از طریق ابن مردویه از ابن عباس روایت می‌کند که از پیامبر پرسیدم: وقتی آدم در بهشت بود، تو کجا بودی؟ حضرت تبسمی کرد و فرمود: «من در صلب آدم، و سپس در صلب نوح و ابراهیم بودم، و هرگز پدران و مادران من، در همه ادوار، از راه زنا به هم نزدیک نشده‌اند و همواره خداوند مرا از صلبی پاک به رحمی پاک مصفی و مهذب منتقل ساخته، و هرگاه انشعابی در سلسله آباء من رخ می‌داد، من در بهترین و پاک‌ترین شعبه قرار می‌گرفتم» (الدر المنثور: ج ۵ ص ۹۸).

طبری با آن که هم عصر ابن ابی حاتم بوده، و کتاب تفسیرش نیز از جهات زیادی شبیه تفسیر ابن ابی حاتم است، هیچ یک از این روایات را در تفسیرش نیاورده (ر.ک. تفسیر طبری: ج ۱۹ ص ۷۶ - ۷۷) و شاید به آن دست نیافته است! با توجه به عدم نقل چنین روایت‌هایی در تفاسیر معروفی همچون تفسیر طبری، و نقل بسیار اندک آن در سایر تفاسیر اهل سنت، نقل این ابی حاتم رازی، اگر نشانه علاقه و ارادت او به اهل بیت پیامبر - درود خدا بر آنان باد - نباشد، دست کم بر انصاف علمی نویسنده و دوری از تعصبات مذهبی و گستردگی اطلاعات حدیثی او گواهی می‌دهد.

ز) تألیفات

ابن ابی حاتم، با داشتن آثار متنوعی در موضوع تفسیر، فقه، کلام، حدیث و رجال، از محققان و نویسندگان بزرگ اسلامی در روزگار خود به شمار می‌آمده است. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

۱. تفسیر القرآن العظیم.
۲. آداب الشافعی و مناقبه.
۳. فضائل الامام احمد.
۴. الجرح والتعديل.
۵. علل الاحادیث.
۶. المسند.
۷. الرد علی الجهمیة.

حسن یوسفی اشکوری، در مدخل ابن ابی حاتم، از دائرة المعارف بزرگ اسلامی، کتاب جرح و تعدیل ابن ابی حاتم را که بارها به چاپ رسیده است، از مشهورترین آثار او می‌داند که از یک سو مهارت نویسنده را در شناخت رجال بیان می‌کند و از سوی دیگر، حاوی اطلاعات مفید و مهمی درباره اصحاب و تابعیان می‌باشد (دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۲ ص ۶۲۸).

دکتر رفعت فوزی، پژوهشگر زندگی و آثار ابن ابی حاتم نیز، در کتاب خود این ابی حاتم الرازی و اثره فی علوم الحدیث، با معرفی بیست کتاب از آثار او، بیش از همه به شناسایی دو کتاب جرح و تعدیل و علل الحدیث می‌پردازد. بنا بر نوشته او، کتاب جرح و تعدیل ابن ابی حاتم، که اینک در ۹ جلد به طبع رسیده است، جمع آوری و تحلیل عالمانه‌ای است از آراء رجالیان اهل سنت تا زمان مؤلف، که با تکیه بر روایان ثقه و دقت در رعایت مبانی رجالی اهل سنت به دور از افراط و تفریط نگاشته شده است. اعتماد ابن ابی حاتم بر آراء رجالی ائمه چهارگانه اهل سنت، نقد عالمانه به رجالیان بزرگ و کتب آنها، همچون بخاری و کتاب تاریخ کبیر او، معرفی صحابه و تابعین و طبقه‌بندی آنان، از دیگر فوائد این کتاب است که رفعت فوزی با تفصیل به آن پرداخته است (ابن ابی حاتم الرازی و اثره فی علوم الحدیث: ص ۱۶۹ - ۲۴۳).

هم چنین در کتاب علل الحدیث، با دقتی ستودنی، حدیث معلل و اقسام آن معرفی شده است. آن‌گاه انواع علت‌ها و عیوب که دامنگیر سند و متن حدیث می‌شود، مورد بازشناسی قرار گرفته و در بسیاری از موارد، به کشف عیوب مخفی و رفع آن اقدام شده است (همان: ص ۲۵۹ - ۳۰۹).

بخش دوم: تفسیر ابن ابی حاتم رازی

الف) اهمیت تفسیر

با توجه به زمان حیات ابن ابی حاتم (۲۴۰ - ۳۲۷ هـ ق) و نزدیکی او به عصر صحابه و تابعین، و با در نظر داشتن آن که از این دوره و دوره‌های پیش از او، کتاب‌های تفسیری زیادی به دست ما نرسیده است، اهمیت کتاب تفسیر ابن ابی حاتم روشن می‌شود.

او هم زمان با طبری، صاحب تفسیر جامع البیان (۲۲۴ - ۳۱۰ هـ ق)، می‌زیست و این مفسر، فقیه، و تاریخ نویس بزرگ را درک کرده است. همچنان که با بسیاری از بزرگان اهل حدیث هم عصر بوده است. بخاری (م ۲۵۶ هـ)، مسلم (م ۲۶۱ هـ)، ابن ماجه (م ۲۷۳ هـ)، ابو داوود (م ۲۷۵ هـ)، ترمذی (م ۲۷۹ هـ)، بزار (م ۲۹۲ هـ) نسایی (م ۳۰۳ هـ)، و ابو یعلی (م ۳۰۷ هـ)، از

مشاهیر عالمی هستند که ابن ابی حاتم در زمان آنها می‌زیسته است و به آثار حدیثی و علمی آنان دسترسی داشته است. از بسیار این مشاهیر با یک واسطه، حدیث نقل کرده است. این واسطه‌ها که در طبقه اساتید او هستند، در کتاب الجرح و التعدیل او مورد توثیق قرار گرفته‌اند (رک: ابن ابی حاتم الرازی و اثره فی علوم الحدیث: ص ۶۹ - ۸۵).

در میان عالمان شیعی نیز، با محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی (م ۳۲۰ هـ) صاحب تفسیر عیاشی، علی بن ابراهیم قمی (م ۳۲۹ هـ) صاحب کتاب تفسیر، و محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ هـ) مؤلف کتاب کافی، هم‌زمان بوده است.

به علاوه، از کتاب‌های تفسیری پیش از خود، مانند تفاسیر سعید بن جبیر، و مقاتل بن حیان و سدی و ربیع بن انس و ابی العالیه، که همگی از تابعیان بوده و امروزه تفاسیر اصلی آنان در دست نیست، بهره برده و روایات آنها را به شاگردان و کتب پس از خود منتقل ساخت. از این رو، روایاتی را که در کتب دیگر کمتر ذکر شده، در کتاب او می‌توان یافت.

این مسأله موجب شد که تفسیر ابن ابی حاتم، مورد قبول تفاسیر پس از خود قرار گیرد، و حلقه ارتباطی مهمی در اتصال کتب پیشین به نسل‌های بعد، همچون ابن کثیر و سیوطی، گردد.

ب) روش تفسیری

شیوه کار ابن ابی حاتم در این کتاب به قرار زیر است:

۱. تفسیر ابن ابی حاتم، از روش روایی محض تبعیت کرده است؛ به این معنا که مانند تفاسیر نقلی دیگر، همچون تفسیر طبری و تفسیر الدر المنثور، غیر از استناد به روایات، از منبع دیگری برای تفسیر قرآن بهره نبرده است.

۲. با توجه به آن که نویسنده، خود رجال شناس بزرگی بوده و کتابی مبسوط در جرح و تعدیل داشته است، در انتخاب احادیث خویش سخت‌گیر بوده و به ارائه صحیح‌ترین اسناد و قوی‌ترین متون اصرار داشته است. پس در این جهت همچون تفاسیر طبری و در المنثور اقدام نکرده است که بر همسانی و توازن همه متون روایی تأکید داشته‌اند، و در ارائه مجموعه اقوال به دست رسیده از پیامبر ﷺ و صحابیان و تابعیان ترجیحی میان آنها قائل نشده‌اند و حتی گاهی سخن پیامبر ﷺ را بعد از نقل همان سخن از صحابی قرار داده‌اند. ابن ابی حاتم، خود، می‌نویسد:

هرگاه در تفسیر یک آیه به روایتی مقبول از پیامبر ﷺ دست می‌یافتم، دیگر در کنار آن اقوال صحابه را ارائه نمی‌کردم (تفسیر ابن ابی حاتم: ج ۱ مقدمه).

سپس می‌نویسد:

اگر از صحابه، روایاتی شبیه به هم می‌یافتم، قوی‌ترین متن و سند را انتخاب کرده و موارد دیگر را با حذف اسنادها و به تلخیص اشاره می‌نمودم، و اگر روایات آنان دارای تعارض بود، به بیان ذکر اختلاف و سند هر یک از آنها می‌پرداختم. در طبقه بعد، این کار را با

روایات تابعین انجام داده‌ام و این زمانی است که از صحابه روایتی به دست نیآورده باشم. و این روش در طبقات پس از تابعیان نیز ادامه می‌یابد(همان).

۳. او در تفسیر خود، با استفاده از روایات تفسیری، به بیان معانی آیات پرداخته، و غالباً از ارائه سخن لغت شناسان، اختلاف قرائت‌ها و حتی شأن نزول‌ها، خودداری کرده است.

۴. مؤلف در این کتاب، هیچگاه رأی تفسیری خود و برداشت شخصی‌اش را ارائه نکرده است. به همین جهت تفسیر او از ارائه فنون تفسیری، همچون نقش سیاق آیات در فهم مراد خداوند - جل و علا- که بیشتر در تفاسیر متأخران رواج دارد، خالی است؛ اگرچه رأی تفسیری او از احادیث انتخابی‌اش در ذیل آیات به دست می‌آید.

۵. نویسنده، در ابتدای کتاب خویش، طریق خود را به بعض کتب تفسیری پیشین، همچون تفاسیر سعید بن جبیر، مقاتل بن سلیمان، ربیع بن انس و سدی بیان کرده است.

۶. از ویژگی‌های تفسیر ابن ابی حاتم، شمول آن نسبت به همه سوره‌های قرآن مجید، و نه همه آیات آن است. بلکه در این کتاب، هر آیه‌ایی که روایات تفسیری مقبول برای آن یافته شده است، دارای تفسیر است.

ج) اعتبار تفسیر

استفاده دانشمندان بزرگ اهل سنت در سده‌های بعد از کتاب ابن ابی حاتم، و نقل احادیث تفسیری او در کتب خویش، نشان از وجود این تفسیر در دوره‌های مختلف و اهمیت آن نزد مفسران دارد. در اواخر قرن پنجم، بغوی^۱ در تفسیر معالم التنزیل، از کتاب ابن ابی حاتم بهره برده و احادیث آن را نقل کرده است. ابن تیمیه^۲، در مجموع الفتاوا به این کتاب استناد می‌کند.

این کتیر^۳ در تفسیر معروفش، و ابن حجر عسقلانی^۴ در کتاب‌های فتح الباری و تظلیق التعليق، و شوکانی^۵ در فتح القدير از این تفسیر نام برده و روایات آن را مورد توجه قرار داده‌اند.

۱. حسین بن مسعود بغوی شافعی (۴۲۸ - ۵۱۶ هـ ق.)، محدث و مفسر بزرگ اهل سنت در مرو خراسان است. علاوه بر تفسیر معالم التنزیل، شرح السنه فی الحدیث، التهذیب فی الفقه الشافعیه و الکفایه فی الفقه به زبان فارسی از آثار اوست. تفسیر او خلاصه‌ای از تفسیر ثعلبی است و به جهت داشتن نثری روان و منسجم و خالی بودن از احادیث ضعیف، بسیار مورد توجه اهل سنت است (تفسیر و مفسران: ج ۲ ص ۱۹۴).

۲. أحمد بن تیمیه، فقیه و متکلم معروف اهل سنت (۶۶۱ - ۷۲۸ هـ ق.)، دارای کتب زیاد و عقایدی نزدیک به ابن حنبل و ظاهریه، شهرت او در مخالفت با اعتقادات شیعیان است. کتاب منهاج السنه را در برابر منهاج الکرامه فی معرفه الامامه علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ هـ ق) نوشت.

۳. ابوالفداء اسماعیل بن عمرو بن کثیر دمشقی (۷۷۴ هـ)، شافعی اشعری، صاحب تفسیر القرآن العظیم، از معروفترین تفاسیر نقلی اهل سنت است. البدایه و النهایه فی التاریخ، از آثار معروف اوست (تفسیر و مفسران: ج ۲ ص ۱۹۷).

۴. أحمد بن علی بن حجر عسقلانی (۷۷۳ - ۸۵۲ هـ ق.)، از معروفترین و دقیقترین دانشمندان حدیثی اهل سنت است. شهرت او بیشتر با کتاب فتح الباری در شرح صحیح بخاری پیوند خورده است.

۵. محمد بن علی شوکانی صمنانی (۱۱۷۳ - ۱۲۵۰ هـ ق.)، فقیه و محدث معروف اهل سنت، دارای کتاب‌های متعددی است. فتح القدير و نیل الاوطار، از کتب مشهور او هستند.

در این میان، سیوطی^۱ بیشترین استفاده را از تفسیر ابن ابی حاتم برده است و بعضی از مرویات او فقط از ابن ابی حاتم گرفته شده و منبع دیگری ندارد. از طرف دیگر، برخی از این احادیث منحصر به فرد، پس از درالمثنور سیوطی در هیچ کتاب دیگری دیده نشده است. سیوطی، خود علاوه بر نقل این احادیث در الاتقان، در کتاب دیگرش می‌نویسد:

تفسیر درالمثنور، تلخیصی از تفسیر دوازده جلدی ابن ابی حاتم رازی است (طبقات المفسرین: ص ۵۳).

این شهادت سیوطی، به علاوه نقل بیش از ۱۱۰۰۰ حدیث از ابن ابی حاتم، با پراکندگی تقریباً یکسان، در همه اجزاء قرآن در درالمثنوری که بیش از ۳۷۵۰۰ حدیث دارد، کاشف از آن است که دوره کامل این تفسیر نزد سیوطی بوده است.

تا این جا می‌توان به وجود کتاب مورد بحث تا قرن دهم اطمینان یافت. برای استمرار این اعتماد و اطمینان، نیاز بود تا نسخه‌های آن در قرن‌های اخیر نیز مورد مطالعه قرار گیرد. اکنون، نسخه‌های مورد مطالعه این تفسیر در مقاله پیش رو، دو نسخه می‌باشد. نسخه اول که در سال ۱۴۰۸ هـ ق. به تحقیق دکتر احمد عبدالله عماری، استاد دانشگاه أم القری مکه مکرمه، به انجام رسیده و در چهار جلد رقمی، توسط سه انتشارات مکتبه الدار مدینه منوره، و دار الطیبه ریاض، و دار ابن قیم دمام، مشترکاً به طبع رسیده است.

نسخه دوم، توسط اسعد محمد طیب، تحقیق شده و در سال ۱۴۱۷ هـ ق. توسط مکتبه نزار مصطفی الباز، در مکه مکرمه به چاپ رسیده است و افسست آن به همت مکتبه العصریه بیروت، در چهارده جلد وزیری به طبع رسیده، که چهار جلد اخیر آن فهارس است.

نکته مهم در بررسی میزان اعتبار این تفسیر، آن است که بنا بر گزارش پیشین، این تفسیر نزد عالمان قرن‌های پنجم تا دوازدهم موجود بوده و از آن نام برده و از تمام قسمت‌های آن نقل کرده‌اند. اگر همه تفسیر کنونی ابن ابی حاتم، در همه دوره‌ها و زمان‌ها، موجود بود و تواتر تاریخی یا حداقل کثرت نسخه‌های آن در سده‌های مختلف، نسبت به کل مجموعه آن ثابت می‌بود، در این صورت، همچون سایر کتب عتیق و ارزشمند، رتبه بالایی را در حدیث و تفسیر و میراث علمی اسلامی دارا بود، یعنی یک مجموعه منسجم از احادیث اسلامی که در همه زمان‌ها، انسجام و یکپارچگی خود را حفظ کرده و با همان اهمیت، امروزه به دست ما رسیده است، و بلکه به جهت دقت‌های حدیث‌شناسی و سخت‌گیری‌های رجالی و نظم و اتقان مباحث، از تفسیر مهمی همچون جامع البیان طبری اعتبار و اهمیت بیشتری می‌یافت.

۱. عبد الرحمان بن ابی بکر سیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱ هـ ق.)، شافعی اشعری، در قاهره مصر از پرکارترین عالمان اسلامی به حساب می‌آید. او مؤلف کتاب‌های بسیاری در فقه، حدیث، تفسیر، رجال، تاریخ و علوم قرآن است.

۲. نزدیک به ۳۱۰۰ حدیث از ۱۱۰۰۰ حدیث نقل شده از ابن ابی حاتم در الدر المنثور، مصدر دیگری ندارد.

تذکره
ابن ابی حاتم و تفسیر او

اما حقیقت آن است که کل این مجموعه فقط تا دوره سیوطی، یعنی اوائل قرن دهم، موجود بوده و ابن کثیر و سیوطی در همه سوره‌های قرآن از آن بهره برده‌اند. پس از این دوره، نسخه‌های این تفسیر انسجام و وحدت خود را از دست داده، و در طول چهار قرن بعد، علاوه بر آن که بخش‌های بزرگی از آن به طور کلی از بین رفته است، بخش‌های باقی مانده آن نیز به شکل مجموعه اجزای حدیثی دست به دست گشته و در کتابخانه‌های مختلف ادامه حیات داده است.

به عبارت دیگر، هر دو نسخه تفسیر مورد بحث که مورد استفاده صاحب این قلم است، نسبت به بخش‌هایی از این تفسیر ادعا ندارند که از نسخه قدیمی یا خطی آن بهره‌مند شده‌اند. بلکه دو قطعه بزرگ از سوره‌های قرآن را در نسخه‌های موجود نیافته‌اند، و از تفسیر ابن کثیر (قرن ۷) و تفسیر درالمنثور (قرن ۱۰) بازسازی و بازبایی کرده‌اند. آن مقدار حفظ شده و مخطوط نیز، نه به صورت یک مجموعه منسجم و در کنار هم، بلکه به صورت نسخه‌های پراکنده و متعددی از کتابخانه‌های معتبر جهان اسلام، جمع‌آوری شده است. به بیان دقیق‌تر، بر اساس آنچه که اسعد محمد طیب، محقق نسخه دوم، در بیان نسخه‌های مورد اعتماد خود نوشته است، تفسیر ابن ابی حاتم که مورد مطالعه و تحقیق او قرار گرفته است، از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

بخش اول، بخش موجود از تفسیر، و بخش دوم، بخش مفقود از آن است. بخش موجود این تفسیر، از ابتدای سوره حمد تا انتهای سوره رعد، که سیزدهمین سوره قرآن است، نزدیک به ۱۳ جزء از قرآن را در بر می‌گیرد. همچنین از ابتدای سوره مؤمنون تا انتهای سوره عنکبوت، یعنی هفت سوره از قرآن، معادل اجزاء ۱۸ تا ۲۱ قرآن، در زمره بخش موجود از این تفسیر هستند، و سایر سوره‌ها و اجزاء قرآن در نسخه‌های خطی و موجود این تفسیر، یافت نشده‌اند. البته بخش‌های موجود و یافته شده نیز، همانگونه که گذشت، در اجزاء متعدد و پراکنده و با کیفیت‌های متفاوتی به دست محققان این کتاب رسیده است. دو پژوهشگر نامبرده، سایر بخش‌های قرآن، یعنی اجزاء غیر موجود از این تفسیر را از طریق احادیث ابن ابی حاتم، در تفاسیر ابن کثیر و سیوطی، گردآوری کرده‌اند. آنها، با جمع‌آوری روایات نقل شده از ابن ابی حاتم، در تفسیر ابن کثیر و درالمنثور سیوطی، و مرتب ساختن این احادیث بر اساس نظم سوره و آیات قرآن، با رعایت معیارهای شناخته شده ابن ابی حاتم، این بخش‌ها را بازسازی کرده‌اند.

این نکته، مفید آن معناست که تفسیر ابن ابی حاتم در قرن‌های هفتم و دهم، به طور کامل، نزد این دو مفسر بزرگ قرآن موجود بوده است و پس از قرن دهم آفت‌هایی دامنگیر آن شده، و بخش‌های بزرگی از کتاب از میان رفته است. هر چند ممکن است نقل‌های ابن کثیر و سیوطی از بخش‌هایی از تفسیر ابن ابی حاتم، که امروزه باقی نیست، نقل همه احادیث آن نباشد، و احتمالاً روایات دیگری هم در این بخش‌ها موجود بوده است که حتی سیوطی و ابن کثیر نیز آنها را نقل نکرده‌اند و امروزه هیچ نشانی از آنها در دست نیست.

حال آنچه که جای تحقیق و بررسی بیشتر دارد، سنجش میزان اعتبار این دو بخش اساسی از تفسیر ابن ابی حاتم است و پاسخ دادن به این پرسش اساسی که آیا اعتبار تفسیر ابن ابی حاتم در بخش‌های بازسازی شده از تفاسیر سیوطی و ابن کثیر، به اندازه اعتبار سایر بخش‌های آن هست یا نه؟ و آیا با نقل روایات او از این دو کتاب، می‌توانیم بگوییم از تفسیر ابن ابی حاتم نقل کرده‌ایم یا خیر؟ و آیا کل تفسیر ابن ابی حاتم، اعم از بخش‌های اصیل و بخش‌های بازسازی شده، همچون یک مجموعه منسجم و واحد، قابل ارزیابی هست و می‌تواند مانند تفسیر طبری یا درالمنثور سیوطی، مستند پژوهش‌های اسلامی قرار گیرد یا خیر؟

این مسأله، البته درباره همه کتاب‌های قدیمی که امروزه به شکل جمع‌آوری و بازسازی، احیاء می‌شوند، مطرح است؛ کتاب‌هایی نظیر، تفسیر سدی، مقاتل، ابن جریر، و کتاب‌هایی مثل: رجال ابن غضائری و مسانید و اصول حدیثی اصحاب ائمه علیهم‌السلام، که همگی از راه جمع‌آوری احادیث و محتوای آنها از کتب دیگر، بازسازی می‌شوند. پاسخ به این سؤال، پژوهشی شایسته می‌طلبد که به زمانی دیگر موکول می‌کنیم. آنچه که قبل از تأمل و دقت نظر می‌توان گفت، آن است که یکی از اهداف بازسازی و احیاء یک کتاب قدیمی، احیاء جایگاه و ارزش و اعتبار آن است، یعنی هنگامی که روایات تفسیری ابن ابی حاتم (قرن چهارم)، از کتب تفسیری قرن هفتم یا دهم استخراج شده، تفسیر قدیمی بازسازی می‌شود، مطلوب آرمانی آن است که کتاب جدید اعتباری بیابد، فراتر از اعتبار کتب قرن هفتم و دهم، و حکم منبع و مصدر آن کتب را افاده کند، و حال آن‌که این منبع خود از کتاب جدیدتر استخراج شده است. چیزی شبیه به یک دور منطقی که به نظر نمی‌رسد مطلوب ما را تحصیل نماید.

در یک نتیجه‌گیری اجمالی، می‌توان گفت: به نظر نمی‌رسد همه تفسیر ابن ابی حاتم، اعم از بخش‌های اصیل و بخش‌های بازسازی شده، بسان یک مجموعه واحد قابل ارزیابی بوده و بخش‌های مختلف آن اعتبار و ارزش یکسانی داشته باشند، بلکه نظر دقیق‌تر آن است که بخش‌های اصیل این تفسیر، یعنی ۱۳ جزء اول و اجزاء ۱۸ تا ۲۱، که تقریباً جمعی برابر هفده جزء قرآن را تشکیل می‌دهند، در حد یک کتاب قدیمی بر جای مانده از قرن چهارم، اعتبار دارند و بر اساس معیارهای دقیق کتابشناسی حدیثی^۱، شاید اعتباری فراتر از تفسیر طبری نیز بیابند، و بخش‌های بازسازی شده آن، یعنی اجزاء ۱۴ تا ۱۷ و ۲۲ تا ۳۰، که تقریباً جمعی برابر سیزده جزء قرآن را در بر می‌گیرند، نهایت اعتباری که کسب کنند، اعتبار همان کتبی است که از آنها نقل

۱. برای سنجش اعتبار منابع و کتب حدیثی، معیارهای متعددی پیش‌دید عالمان و کتاب‌شناسان حدیث قرار دارد. یک کتاب از حیث مؤلف، آن هنگامی دارای امتیاز می‌شود که شخصیت علمی، تخصص، انتساب یا نزدیکی او به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا معصوم علیه‌السلام، دقت و ضبط او در تألیف کتاب، احراز شود. همچنین معیارهایی نظیر قدمت کتاب، منابع نگارش، روش تألیف، شهرت و مقبولیت کتاب در قرن‌های مختلف و اتصال و تواتر نسخه، همراه با قوت متن و دوری از متون ضعیف و مستبعد، در اعتبار آن کتاب تأثیر مستقیم دارد.

شده‌اند، یعنی ارزش و اعتبار این بخش از تفسیر ابن ابی حاتم، همانند اعتبار تفاسیر ابن کثیر و درالمنثور سیوطی است، چراکه معلوم نیست این احادیث در تفسیر اصلی ابن ابی حاتم، به همین کیفیت و نظم بوده است و احتمالاً احادیث دیگری در میان نبوده است که این روایات را تکمیل کند، یا بر فهم سیاقی آن بیفزاید. گزیده‌تر آن که احتمالاتی در میان است که «این همانی» بخش‌های بازسازی شده را مورد تهدید جدی قرار داده و سکون و اعتماد قطعی را به آن از بین می‌برد.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم.

۱. ابن ابی حاتم الرازی و اثره فی علوم الحدیث، رفعت فوزی عبد المطلب، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۴۱۵ ق.
۲. اعیان الشیعه، سید محسن امین، بیروت: مکتبه المعارف، ۱۴۰۶ ق.
۳. البدایه و النهایه، اسماعیل بن کثیر دمشقی، بیروت: مکتبه المعارف، ۱۴۰۸ ق.
۴. تذکره الحفاظ، شمس الدین محمد ذهبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن کثیر دمشقی، قاهره: دار الشعب.
۶. تفسیر القرآن العظیم، عبد الرحمان بن محمد بن ابی حاتم الرازی، مکه مکرمه: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
۷. تفسیر و مفسران، محمد هادی معرفت، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۰ هـ.
۸. جامع البیان عن تأویل آی القرآن (تفسیر الطبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت: دار الفکره، ۱۴۰۸ ق.
۹. دائرة المعارف بزرگ اسلامی (مدخل ابن ابی حاتم رازی)، کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸ هـ.
۱۰. الدر المنثور فی التفسیر المأثور، عبد الرحمان السیوط، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. سیر الاعلام النبلاء، شمس الدین محمد ذهبی، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. طبقات الحفاظ، عبد الرحمان سیوطی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۳ م.
۱۳. طبقات الحنابله، محمد بن ابی یعلی، بیروت، ۱۳۷۱ ق.
۱۴. طبقات المفسرین، عبد الرحمان سیوطی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. طبقات فقهاء الشافعیه، محمد بن احمد عبّادی، ۱۹۶۴ م.
۱۶. لسان المیزان، أحمد بن علی بن حجر عسقلانی.